

در طلب عیش و ملاع

بازاندیشی و تحلیل درس های عاشورا
برای روزگاران ما

دکتر محسن اسماعیلی
دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران



فهرست

مقدمه واجب!	۱۱
گفتار ۱. عاشورا به مثابه یک الگو و مکتب	۲۳
دو نوع نگاه به حوادث تاریخی و توصیه قرآن در این باره	۲۴
عاشورا از دو نگاه توصیفی و تحلیلی	۲۶
امامت یعنی الگو بودن آنان و اقتدای عملی ما	۲۸
کربلا استثنا است یا قاعده؟	۲۹
پر رمز و راز، ولی طبق قاعده	۳۴
گام‌های چهارگانه برای تحقق مکتب عاشورا	۳۵
گفتار ۲. فضیلت عزاداری و گریه بر سالار شهیدان	۴۱
فضیلت عزاداری و پاداش گریه بر حسین	۴۲
اهمیت مرثیه‌سرایی و پاداش گریانیدن بر حسین	۴۴
جواز بی‌تابی و جزع در عزای حسین	۴۶
توصیه به تباهی و فلسفه و معنای آن	۴۹
پاسخ به استبعادها و انکارهای نابجا	۵۳
پند و هشدار راهگشا از امام خمینی	۵۵
مجالس امام حسین؛ نعمتی بی‌نظیر	۵۹

گفتار ۳. فلسفه عزاداری و حکمت لزوم آن ۶۳

تبعیت احکام شرعی از مصالح و مفاسد واقعی ۶۴

بایسته‌های عزاداری و آسیب‌های آن ۶۶

اول: عزاداری و یافتن راه آینده ۶۷

دوم: عزاداری و نسبت آن با معرفت ۶۹

سوم: عزاداری و احیای دین و اصلاح جامعه ۷۱

افسوس که بگذاشته‌ایم آنچه که باید برداشت ۷۳

گفتار ۴. اصلاح امت و جامعه‌سازی در مکتب عاشورا ۷۵

اصلاح امت و جامعه؛ علت اصلی قیام کربلا ۷۵

امر به معروف و نهی از منکر در حوزه سیاست ۷۷

مبارزه با فساد و جامعه‌سازی، به مثابه یک تکلیف دینی ۷۹

شرایط و پیش‌نیازهای مبارزه با فساد و جامعه‌سازی ۸۱

آزمون سخت روحانیت در مبارزه با فساد و جامعه‌سازی ۸۴

گفتار ۵. عزت نفس و کرامت انسان در مکتب عاشورا ۸۷

عزت و کرامت ذاتی انسان از نگاه قرآن ۸۷

حفظ عزت و کرامت، به مثابه یک تکلیف ۸۹

آثار آگاهی از عزت و کرامت نفس ۹۱

مفهوم و مبنای عزت و کرامت نفس ۹۴

حسین (ع)، مظهر عزت و کرامت نفس ۹۶

انسان و جهان از نگاه حسین (ع) ۹۸

تجلی عزت و کرامت نفس در عاشورا ۱۰۱

گفتار ۶. ذلت و خواری؛ خط قرمز مکتب عاشورا ۱۰۵

جامعه حسینی؛ جامعه عزیز و مقتدر ۱۰۶

مجلس حسینی؛ خالی از روضه تذلل ۱۰۹

وهن مذهب و حرمت در فقه ۱۱۲

دلی پردرد و زبانی گویا ۱۱۵

شیطنت رسانه‌ای و شرایط خاص روزگار ما ۱۲۰

قرآن کریم و ممنوعیت سوژه‌سازی برای دشمن ۱۲۲

گفتار ۷. زمینه‌سازان قتال؛ قاتلان پنهان حسین (ع) ۱۲۵

- ۱۲۶ زمینه‌سازان قتال؛ همانند عاملان قتل
- ۱۲۷ شناسایی انواع زمینه‌سازان قتال
- ۱۲۸ قتال و قتل با سلاح زبان
- ۱۳۰ قتال و قتل با سخنان راست
- ۱۳۱ زهرآگین‌تر بودن تیرهای تهمت
- ۱۳۴ گناه بزرگ، اما رایج میان دینداران
- ۱۳۷ حفظ لسان؛ معیار سلامت انسان
- ۱۴۰ نقش زبان‌ها در آفرینش فاجعه کربلا

گفتار ۸. نقش سکوت نخبگان در انحراف مردم و جامعه ۱۴۵

- ۱۴۶ تحلیل قرآن از نقش سکوت نخبگان در پیدایش انحراف‌ها
- ۱۴۸ تکلیف نخبگان در مقابله با دگرگونی یا کمرنگ شدن ارزش‌ها
- ۱۵۲ نقش رهبری در پاسداری از ارزش‌ها و جلوگیری از انحراف
- ۱۵۴ توییح توأمان عوام و خواص در قرآن کریم
- ۱۵۵ تأثیر دلدادگی به دشمنان در پیدایش انحراف
- ۱۵۶ سنت قطعی خدا و قانون ثابت تاریخ
- ۱۵۸ فاجعه کربلا؛ تنها به عنوان یک نمونه
- ۱۶۰ دانایان ساکت، به مثابه زمینه‌سازان جنایت
- ۱۶۰ سکوت به بهانه زهد و دوری از سیاست
- ۱۶۳ سکوت به بهانه مصلحت‌اندیشی و واقع‌بینی
- ۱۶۵ سکوت به بهانه رقابت سیاسی و جایگاه اجتماعی
- ۱۶۸ پیشیمانی سودی ندارد

گفتار ۹. شش‌شقیه‌ای دیگر؛ در سرزمین منا ۱۷۱

- ۱۷۱ نگاهی به خطبه شش‌شقیه علی (ع)
- ۱۷۴ شش‌شقیه‌ای دیگر از زبان پسر
- ۱۷۵ خطبه منا در کتاب سلیم بن قیس
- ۱۷۸ خطبه منا در کتاب تحف العقول
- ۱۸۱ استناد امام به تحلیل قرآن درباره مسئولیت نخبگان

مقدمه واجب!

مقدمه این کتاب از نوع مقدمه‌هایی نیست که بتوان آن را نادیده گرفت. به همین دلیل آن را «مقدمه واجب» نامیدم تا درخواست کنم که حتماً پیش از «ذی المقدمه» مطالعه شود. دلیل نخست آنکه: متن کتاب، گرچه در دوازده گفتار سامان یافته است، اما نوعی نظم و ترتیب منطقی میان آنها برقرار است، و پیام هر گفتار باید در همان هندسه و با همان مختصات شنیده شود که در آن جای گرفته است. برای همین است که از ابتدا باید نمای کلی کتاب و نظامی که دنبال می‌کند، برای خواننده گرامی معلوم و روشن باشد؛ دیگر آنکه نکته‌هایی لازم به یادآوری است و باید آنها را همواره به خاطر داشت تا به حول و قوه الهی سودمند واقع شوند.

۱. نمای کلی کتاب و نظم منطقی گفتارها

در نخستین گفتار که بیانگر پایه و پیام اصلی این کتاب است، «عاشورا به مثابه یک الگو و مکتب» مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در این گفتار، به دو نوع نگاه در حوادث تاریخی اشاره خواهد شد؛ یکی نگاه نقلی و توصیفی و دیگری نگاه عقلی و تحلیلی. سپس توضیح داده می‌شود که آنچه سودمند، انسان‌پرور و

آینده‌ساز است، تفکر و تعقل در تاریخ، یافتن ریشه‌ها و پیامدهای حوادث و گذر از گذشته به سوی آینده است. این، همان نگاهی است که قرآن بر آن اصرار می‌ورزد و پویایی و خوشبختی واقعی را برای بشر به ارمغان می‌آورد. با این نگاه، در حقیقت هیچ حادثه‌ای اتفاقی و استثنایی نیست و بر همین مناسبت که تاریخ تکرارپذیر می‌شود.

داستان جانسوز کربلا نیز از این قاعده مستثنا نیست. گرچه پررمز و راز است، ولی طبق سنت‌های الهی و قواعد ثابتی روی داده است که در هر زمان و هر مکان جاری هستند و از همین‌رو، هر روزمان عاشورایی و همه جا کربلاست و هر کس همواره در آن میدان حاضر است و باید انتخاب کند که در این سوی میدان بایستد یا در آن سو! پس، مکلف هستیم که از کربلا درس بیاموزیم و عبرت بگیریم، و در یک کلام، به آن با دیده «الگو و مکتب» بنگریم.

برای دستیابی به این هدف بالا و والا، البته برداشتن گام‌هایی چند ضرورت داشته و گریزناپذیر است که در پایان گفتار اول بیان شده‌اند. نخستین گام، زنده نگه داشتن یاد عاشوراست. سودمندی مطالعه عقلی و تحلیلی در تاریخ به معنای بی‌نیازی از نقل و توصیف آن نیست. اساساً بدون این، آن هم ناممکن است و از همین جا اوج عقلانیت و حکمت پیشوایان تشیع آشکار می‌گردد که سازوکاری بس شگفت و پرتأثیر برای تکرار حدیث نامکرر سالار شهیدان تدارک دیده‌اند. آنان به گونه‌ای عجیب بر تشکیل مجالس بازخوانی حادثه کربلا پافشاری کرده‌اند و آثار مادی و معنوی بسیاری برای آن برشمرده‌اند که در گفتار دوم به بازخوانی اندکی از بی‌نهایت و نمی از آن یم بسنده می‌گردد.

پاداش‌هایی که برای ذکر مصائب حسین علیه السلام وعده داده‌اند، چنان است که گاهی برای دل‌های غافل باورکردنی نیست. اما اگر بدانیم، یاد عاشورا چه آثاری

دارد، نه تنها انکار که استبعاد هم نابجا می‌شود و تعقل نشان می‌دهد که آنچه نقل شده و شنیده‌ایم، فقط دورنمایی از بهشتِ یاد حسین علیه السلام است؛ وگرنه خدای قادر متعال فرموده است: «هیچ‌کس نمی‌داند و نمی‌تواند حدس بزند که ما چه پاداش شوق‌انگیزی برای آنان به پاس اعمالشان ذخیره فرموده‌ایم.»^۱

طبق عقیده مبرهن و مستحکم شیعه، احکام شریعت تابع مبانی و دلایل است و گتره و گزاف در آن راه ندارد. حکم به بزرگداشت و یادآوری حادثه کربلا نیز مبتنی بر مصالح ملزومه و منافع مهمه‌ای است که در صورت تحقق، آثار و پاداش‌هایی که گفته‌اند و شنیده‌ایم، تنها بخشی از حقیقت و واقعیت هستند.

بنابراین، کسی که به حکمت و عدالت شارع، واقعاً ایمان داشته باشد، نباید منکر وعده‌های صدقی شود که از مرز تواتر گذشته است. بلکه چنان‌که از زبان شاگرد بزرگ مکتب اباعبدالله، امام راحل خواهیم شنید، انکار و استبعاد آن، سدّ بزرگی در راه کمال و پرتگاه خطرناکی در طریق سعادت است که باید از آن به خدا پناه برد.

مهم آن است که «فلسفه عزاداری و حکمت لزوم آن» را دریابیم؛ هدفی که در گفتار سوم دنبال می‌شود و در معرفت‌افزایی، اصلاح خود و جامعه و به تعبیری، احیای دین خلاصه می‌گردد. به همین سبب، بحث درباره اصلاح امت و جامعه‌سازی، به عنوان علت اصلی قیام کربلا و اولین درس از مکتب عاشورا، موضوع گفتار چهارم است. آموزگار کربلا به ما آموخت که باید مبارزه با فساد و کوشش برای جامعه‌سازی را به مثابه یک تکلیف بدانیم و از حصر و تقلیل فریضه امر به معروف و نهی از منکر به امور فردی و فرعی بپرهیزیم. البته که احیاگری دین و اصلاح‌گری جامعه، شرایط و پیش‌نیازهایی هم دارد که

۱. سجده / ۱۷: «فَلَا تَقْلُمُ نَفْسَ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.»

به آن اشاره خواهد شد؛ از جمله آزمون سخت روحانیت در مبارزه با فساد و ساختن جامعهٔ حسینی.

گفتار پنجم عهده‌دار تبیین «عزت نفس و کرامت انسان در مکتب عاشورا» است؛ زیرا جامعه‌سازی آرمانی از پرورش انسان قرآنی آغاز می‌شود و انسان در قرآن، از عزت و کرامتی برخوردار است که همه هستی را در برابر او به خضوع و ادار می‌سازد و به خاک می‌افکند. اگر آدمی از این عزت و کرامت آگاه شود، به جایی می‌رسد که در وهم نمی‌گنجد و حسین علیه السلام مظهر تام آن است. کلید شخصیت او را به حق، عزت و کرامت دانسته‌اند و لحظه لحظه زندگی پرشکوهش تجلی عزت است و کرامت؛ و هر چه به عصر عاشورا نزدیک‌تر می‌شود، این حقیقت آشکارتر می‌گردد.

پس از تماشای گروشه‌ای از جمال و جلال ثارالله در این بخش، نتیجه می‌گیریم که «ذلت و خواری؛ خط قرمز مکتب عاشورا» است. گفتار ششم یادآور این نکته مهم است که انسان ذلیل و جامعهٔ ذلت‌زده بویی از حسین و مراسم نبرده است. جامعهٔ حسینی، جامعه‌ای عزیز و مقتدر است و مجلس حسینی نیز مجلسی خالی از روضه تذلل. هر سخن و رفتاری که نشان از پذیرش خواری داشته باشد، به کلی دور از شخصیت فرزند رسول خدا و جفای بر اوست، و این، خط قرمز پررنگی است که شاگردان مکتب عاشورا باید همواره از شکستن آن برحذر باشند.

درس بعدی در مکتب عاشورا، گذر از ظاهر به باطن و شناسایی قاتلان پنهان در کنار قاتلان آشکار است. آنان که فاجعهٔ جنایت‌بار روز دهم محرم را آفریدند، تنها کسانی نبودند که دست خود را به خون بهترین بندگان خدا آغشته کردند و مرتکب «قتل» گشتند. هم‌زمان و همدیف آنان، زمینه‌سازان «قتال»

هم در این جنایت سهم داشتند و نقش آفرینی کردند و لذا به موازات یکدیگر لعن شده‌اند. این گروه را قاتلان پنهان نامیده‌ام و با استفاده از تاریخ به دو گروه اصلی تقسیم کرده‌ام. نخست، آنان که با سخنان ناشایست زمینه‌ساز جنایت شدند و به تعبیر دقیقِ روایی، با سلاح زبان و تیرهای زهرآگین آن جبهه حق را نشانه گرفتند. شناسایی اینان و نقش زبان‌ها در آفرینش فاجعه کربلا موضوع گفتار هفتم است.

گروه دوم نیز در گفتار بعد مورد شناسایی و تحلیل قرار گرفته‌اند؛ یعنی کسانی که برخلاف قبلی‌ها، با سکوت خود در این جنایت بزرگ شریک شدند. «نقش سکوت نخبگان در انحراف مردم و جامعه» از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین درس‌ها و عبرت‌های عاشورا است که هیچ‌گاه نباید فراموش شود. پس از بازخوانی تحلیل قرآن درباره نقش سکوت نخبگان در پیدایش انحراف‌ها، نوبت به تبیین تکلیف نخبگان در مقابله با دگرگونی یا کمرنگ شدن ارزش‌ها می‌رسد، و طبعاً نقش رهبران فکری و دینی در پاسداری از ارزش‌ها و جلوگیری از انحراف‌ها بیشتر و مؤثرتر است. در این خصوص، آیات ۶۲ تا ۸۱ سوره شریفه مانده بسیار بسیار اندیشیدنی و حاکی از تویخ توأمان عوام و خواص در قرآن کریم است و نشان می‌دهد که سکوت بیجای دانایان، زمینه‌ساز بدعت و جنایت است. این، سنت قطعی خدا و قانون ثابت تاریخ است و فاجعه کربلا را باید تنها به چشم یک نمونه نگریست؛ نه به چشم تنها نمونه!

مطالعه تحلیلی حادثه کربلا ثابت می‌کند که سکوت نخبگان در برابر انحراف‌ها گاهی به بهانه زهد و دوری از سیاست است، گاهی به بهانه مصلحت‌اندیشی و واقع‌بینی، و گاهی هم به بهانه رقابت سیاسی و جایگاه اجتماعی. اما نتیجه فرقی نمی‌کند و در هر حال، پشیمانی سودی ندارد.